

خاژا رمنی

جنگهای بین ایران و روم شرقی بر سر ارمنستان در سال ۳۸۷ میلادی خاتمه یافت و بنا بر عهدنامه‌ای که بین طرفین منعقد شد ارمنستان بدو منطقه نفوذ تقسیم گردید در هر دو قسمت ارمنستان پادشاهان اشکانی سلطنت میکردند ، تا اینکه در سال ۳۸۹ . آرشاک سوم پادشاه ارمنستان غربی وفات یافت و از آن به بعد این قسمت از ارمنستان توسط امرائی که از طرف قیصر روم تعیین میگرددند اداره میشد .

ولی در ارمنستان شرقی که خراج گزار ایران بود پادشاهان اشکانی همچنان سلطنت خود را تا سال ۴۲۸ میلادی ادامه دادند و برای جلوگیری از زوال و انحطاط تمدن ارمنی ، علماء ارمنستان را بحفظ فرهنگ و سنن ملی گذشته خود مشوق گردیدند ، در این زمان بود که بفرمان شاهان پارت خط و الفباء ارمنی متداول گردید .



مخترع خط ارمنی شخصی است بدنام مسروپ ماستوتس^۱ که در زمان سلطنت آرشاک دوم (۳۶۷-۳۵۰ میلادی) بسال ۲۳۶۱ در بخش دارون^۲ در

1 - Mesrop Māstoc

۲- نک : آ. آراکلیان ، تاریخ تکامل فرهنگ معنوی ارمنه (زبان ارمنی) ، ایروان ، ۱۹۵۹ ، ص ۲۲۹ .

۳- دارون : (Taron) یکی از بخشهای استان دوروهرا (Turuberan) است که در غرب دریایچه وان : (Van) قرار دارد . ضبط دقیق تلفظ واژه‌های ارمنی با حروف لاتین موجود بسیار دشوار است .

دهکده نیمه آزادان^۱ که اسم آن هاتسکاتس^۲ است متولد شده است.^۳
 او در سنین کودکی شروع با موختن زبان یونانی میکند و بجهت
 تبخیری که در این زبان بدست میآورد موفق میشود در دیوانخانه شاهی بسمت
 دبیری استخدام گردد؛ این سمت را او در زمان سلطنت خسرو چهارم (۳۸۷-۳۸۷)
 ۳۸۵ میلادی) پادشاه ارمنستان بدست میآورد.^۴

خدمت ماشتوتس در دربار زیاد بطول میانجامد. او از سمت خویش
 استعفا میکند و عبای راهبان را برتن کرده مبلغ دین مسیح در گوشه و کنار
 ارمنستان، مخصوصاً در گوختن^۵، میگردد.

مورخین نوشته اند که ماشتوتس در حین تبلیغ نتیجه میگیرد که برای
 بهتر درک کردن دین مسیح و تبلیغ سود بخش و سریع لزوم ترجمه کتاب مقدس
 بزبان ارمنی امری است ضروری.

این موضوع قابل قبول نیست که علل اختراع حروف ارمنی را فقط
 تبلیغ دین مسیح بدانیم زیرا قبلاً مبلغین دیگری در این سرزمین برای گسترش
 دین مسیح زحماتی کشیده اند ولی هیچیک لزوم حروف و خط ارمنی را پیشنهاد
 نکرده اند و یا اینکه ما در این باره مدارکی در دست نداریم.

بنظر نگارنده علل اختراع حروف ارمنی را باید در افکار و وطن دوستی
 و سنن و رگ و ریشه قومیت جستجو کرد. و تا آنجائی که اطلاع داریم اختراع
 خط ارمنی را باید ثمره افکار بلند و حساس و راشامبوه پادشاه ارمنستان (۴۱۳-۴۱۳)
 ۴۱۳-۴۱۳)

۱- نک: پاستوس یوزاند، تاریخ ارمنستان، ترجمه بارمنی جدید از س. مالخسیانس، قاهره
 ۱۹۵۴، ص ۱۶۲ و ۴۲۷.

۲- Hagekac

۳- نک: گریون، زندگی ماشتوتس، ایروان (بزبان ارمنی)، ۱۹۴۹، ص ۳۶.
 گریون یکی از شاگردان ماشتوتس است که بنا بامرار همشاگردیهای خود زندگی معلم
 خویش را سدچار سالی بعد از مرگ او برشته تحریر درآورده است.

۴- نک: قازار پارتنسی، تاریخ ارمنستان، ونیز (بزبان ارمنی) ۱۸۹۱، ص ۳۷.

۵- نک: ۵. ماناندیان، نظری بتاریخ تحقیقی از اماند ج ۲، ب ۱، ایروان، ۱۹۵۷، ص ۲۴۹.

۶- گوختن (Goytn) یکی از بخشهای استان واسپوراکان (Vasporakan) است
 که در شمال رود ارس بین طولهای شرقی جغرافیائی ۴۵۳۰ و ۴۶ قرار دارد.
 نک: ت. هاکوییان: نظری ب جغرافیای تاریخی ارمنستان، ایروان، (بزبان ارمنی)

۱۹۶۰، صفحه ۱۸۷.

۳۸۷۸ میلادی^۱ دانست .

ورامشابوه و مشاورینش پیش بینی میکردند که بعد از انقراض سلسله اشکانیان ارمنستان و از بین رفتن حکومت مرکزی چندی نخواهد گذشت که قوم ارمنی بین اقوام دیگر بتحلیل رفته و از بین خواهد رفت . چنانکه از گزارشات مورخین برمیآید قبل از آنکه ماستوتس بفکر اختراع حروف ارمنی افتد، ورامشابوه پادشاه ارمنستان، موقعیکه در بین النهرین بود، درباره حروف ارمنی بادانشمندان آسوری و یونانی صحبت هائی کرده بود و از یکی از آنها بنام هابل^۲ شنیده بود که حروف ارمنی پیش اسقف آسوری بنام دانیل^۳ وجود دارد .

بقصد آوردن این حروف ، یکی از اشراف بنام واهریج^۴ به بین النهرین فرستاده میشود و از هابل آسوری درخواست میکند که آن حروف را از دانیل آسوری گرفته و باو بدهد تا بارمنستان ببرد . هابل با شنیدن این تقاضا فوراً نزد دانیل میرود و از او قبلاً حروف ارمنی را یاد میگيرد و سپس بارمنستان گسیل میدارد^۵ .

این حروف در ارمنستان مورد آزمایش قرار میگيرد ولی بعد از چندی متوجه میشوند و باین نتیجه میرسند که این حروف برای ضبط و کتابت تمام صداهای زبان ارمنی کافی نیست^۶ .

س ن قازاریان درباره حروفیکه از طرف دانیل پیشنهاد شده بود چنین مینویسد که عاملین خارجی برای ازهم پاشیدن ارامنه و برای قراردادن آنها در يك وضع وابستگی از نظر فرهنگ ، حروف ساختگی خود را میخواستند بر کرده ارامنه نهند تا باین وسیله استقلال معنوی ارامنه را از بین برده و کم کم در تحت سلطه خود ، آنها را در میان ملل تابعه بتحلیل ببرند . ولی آن حروف مورد قبول واقع نشد^۷ .

۱- نك : ۵ . مانانديان ، نظری بتاريخ تحقیقی ارامنه ، ج ۲ ب ۱ ، ص ۴۳۵ .

۲- نك : Habel ۳- Daniel ۴- Vahric

۵- نك : گریون ، ص ۴۴ .

۶- نك : موسس خورناتسی ، کلیات ، تاریخ ارمنستان ، ونیز (زبان ارمنی) ، ۱۸۴۳ ، ص ۲۴۶ .

۷- نك : قازاریان ، ص ۴۳ .

۷- نك : س ، قازاریان ، تاریخ زبان ادبی ارمنی ، ج ۱ ، ایروان ، ۱۹۶۱ ، ص ۱۱۵ .

ماشتوتس برای یافتن و اختراع کردن حروف کامل ارمنی بادسته‌ای از شاگردانش راه سوریه را درپیش گرفته و از راه آمید^۱ به ادسیه^۲ می‌رود. در این شهر شاگردان خود را بدو دسته تقسیم میکند و یک‌دسته را نزد خود نگه میدارد تا زبان آسوری بیاموزند و بقیه را به ساموسات^۳ می‌فرستد تا زبان یونانی آموخته و بحری بدست آورند او در همین محل حروف ارمنی را اختراع میکند^۴ سال ابداع خط و حروف ارمنی بنا بر محاسبات مانان‌دیان باید به سال ۳۹۲۳ م. باشد. ماشوتس با حروف اختراعی خود راه ساموسات را درپیش می‌گیرد و در آنجا با هروپانوس^۶ دانشمند یونانی درباره حروف اختراعی خود تبادل نظر میکند. بنا بر نظر آدوتس^۷، هروپانوس همان روپینوس^۷ کشیش شاگرد تودوروس موپسوستی^۸ است^۹.

هروپانوس حروف جدید ارمنی را تغییرات جزئی میدهد و از نظر فوتتیک دسته بندی میکند^{۱۰}. ما در این باره مدارک مکفی نداریم تا در اینجا تغییرات حروف را نشان بدهیم.

ماشتوتس سپس با این حروف بکمک دو نفر از شاگردانش بناهای هوهان یکقتسای^{۱۱} و هوسپ باقتسای^{۱۲} شروع بترجمه کتاب «امثال سلیمان بی» میکند و نخستین جمله‌ای که با خط ارمنی و بزبان ارمنی نوشته شده است عبارت

۱- آمید : Amêd - شهر دیاربکر فعلی مرکز کردستان ترکیه .

۲- ادسیه : Yedesia یا Edesia - اورتای فعلی

۳- ساموسات : Sanosat شهری یونانی که در بین‌النهرین واقع است .

۴- نک : م . آبقیان ، مسروپ ماشوتس و آغاز خط و ادبیات ، مجموعه «مسروپ ماشوتس ، باهتام آ. هوانسیان ، ایروان ، ۱۹۹۲ ، ص ۲۷۸-۲۶۹ .

۵- نک : ه . مانان‌دیان ، نظری بتاریخ آرامنه ج ۲ ب ۱ ص ۲۶۶ . نک ه . مانان‌دیان درباره

مسئله تاریخ اختراع حروف ارمنی ، مجموعه «مسروپ ماشوتس» ، ص ۸۵-۱۱۶ .

۶ Hrup'anos

۷ Rup'inos

۸ T'eodoros Mopsuestaci

۹- نک : ن. آدوتس ، ماشوتس و شاگردانش بنا بر ماخذ خارجی . مجموعه « مسروپ

ماشوتس» ص ۲۳۰ .

۱۰- نک : س. مالخاسیانس ، نظریاتی درباره نوشته های قدیمی ، ایروان ، ۱۹۶۱ ، ص ۳۳ .

ه نک : گریون ، صفحه ۴۸ .

۱۱ Hodan, Yekeyeçaci

۱۲- نک : گریون صفحه ۵۰ . Hovsep Payraçi

است از: «بجهت دانستن حکمت و عدل و برای فهمیدن کلمات فطانت . بجهت اکتساب ادب معرفت آمیز و عدالت و انصاف و استقامت»^۱ و غیره .

بعد از انجام دادن کارهایش او با تفاق شاگردانش در سال ششم سلطنت **ورامشابه** پادشاه ارمنستان (۳۹۳ میلادی) بارمنستان برمیگردد^۲ .

آنگاه **سهاک** خلیفه اعظم و ماشتوتس با شاگردانش مسئولیت کارها را بگردن میگیرند و بترجمه بعضی کتب مقدسه میپردازند ، دیگران به زبان ارمنی تألیفاتی میکنند و چند نفری هم در مدارس بتدریس خط و زبان ارمنی مشغول میشوند .

سپس ماشتوتس برای تدریس به ناحیه‌ای که در قسمت شمال شرقی کوه مقدس سر با آسمان کشیده آرات^۳ که در دو طرف رودارس تاجلفا قرار دارد^۴ میرود زیرا ساکنان این ناحیه ، بعلت داشتن يك لهجه‌ای که بسختی فهمیده میشد ، تا آن زمان دین مسیح را پذیرفته و اما درك نکرده بودند و این دین بین اهالی آن دیار نفوذ و توسعه پیدا نکرده بود^۵ و بهمین دلیل او برای نخستین تدریس خط و زبان ارمنی این منطقه را در نظر گرفت .

بعد از آنکه مطمئن شدند که این حروف از هر نظر کامل است کار تدریس زبان ارمنی در **واقارشا پات**^۶ بالا گرفت و از هر سودانشجویان با آنجا هجوم بردند^۷ ، تا در تحت نظارت و تعلیم سهاک خلیفه اعظم و ماشتوتس بتحصیل خط و زبان ارمنی پردازند .

سهاک کار تعلیم را بعهدده خویش گرفت و ماشتوتس برای تبلیغ باز هم عزم مسافرت کرد و بهر جا که رسید در آنجا مدارس ملی ارمنی احداث کرد و شاگردانی گرد آورد و بدست یکی از شاگردانش سپرده او نخست به گوشتن

۱- کتاب المقدس ، چاپ انگلستان ۱۹۵۹ ، ص ۹۴۸ .

۲- نك : گریون ص ۵۰ و ۵۴ .

۳- ارمنیها و کردها افسانه‌های متعددی راجع به جنبه مقدس این سلسله جبال دارند .

۴- نك : گریون ، ص ۱۰۷ .

۵- نك : همانجا ص ۵۴ .

۶- Vafarsapat پایتخت قدیم ارمنستان که فعلا بنام ژمیادزین (Ejmiacin)

معروف است و در نزدیکی ایروان قرار دارد .

۷- گریون . ص ۵۴ .

رفت و آنگاه از آنجا بسوی سیونیک^۱ حرکت .

بعد از چندی ماشتوتس بفکر اقوام همجوار ارمنستان افتاد ، ابتدا او حروف زبان گرجی را اختراع کرد و آنگاه خدمت باکور^۲ پادشاه و مارسس^۳ اسقف اعظم گرجستان رسید و حروف اختراعی خود را بآنها پیشنهاد کرد . در اینجا فکر انسان بآن معطوف میگردد که چرا ماشتوتس برای گرجیان نیز بفکر اختراع خط افتاده است . بنظر نگارنده این نیز بهمان دلیل مذکور که در بالا توضیح داده شده است .

این پیشنهاد مورد قبول پادشاه گرجستان واقع میگردد و او امر بپاز کردن مدارس و جمع آوری شاگردان میکند و بدست ماشتوتس میدهد تا بآنها خطوط اختراعی خویش را تعلیم دهد؛ این شاگردان تحت تعلیم ماشتوتس قرار میگیرند و با استعدادترین و بهترین آنها بدرجه اسقفی میرسند و بعد از او کار تعلیم را خود بعهد میگیرند .

لازم بتوضیح نیست که این کارها در ارمنستان شرقی ، که در تحت سلطه ایران بود ، انجام میگرفت و فقط انعکاش ب ارمنستان غربی میرسید . ماشتوتس بجهت گسترش کارهای تعلیماتی خویش در ارمنستان غربی بار سفر میندود . و با گروه بزرگی از شاگردانش رهسپار آن دیار میگردد و با آنتیوکوس^۴ (بنابگفته بعضی از مستشرقین آناتولیوس^۵) حاکم آن سرزمین ملاقات میکند و در باره علل سفرش توضیحاتی میدهد .

حاکم برای گرفتن اجازه باز کردن مدارس ارمنی بجای مدارس یونانی نامه ای به تئودوس^۶ قیصر بیزانس مینویسد و در این باره از او

۱ - Siunik - استان نهم ارمنستان که در شمال رود ارس و جنوب دریاچه سوان Sevan بین طولهای شرقی جغرافیائی ۴۵ و ۴۷ قرار دارد .

۲ - Bakur

۳ - Marses

۴ - نک : گریون ص ۶۲ .

۵ - نک : همانجا ص ۶۴ .

۶ - Antioko's - نک : ۵ . ماناندیان ، مسروپ ماشتوتس و مبارزه آرامنه رای

استقلال فرهنگ ، مجموعه «مسروپ ماشتوتس» ص ۴۷۱ .

۷ - Anatolios

۸ - T'eodos

کسب تکلیف میکند. ماشتوتس در این بین برای جلب توجه نظر قیصر و اسقف اعظم قصد سفر بقسطنطنیه میکند تا شخصاً با آن بمذاکره بپردازد. او نخست شاگردانش را به ملیتینه^۱ برده بدست آکاکیوس^۲ اسقف آن شهر سپرده و خود بمراهی گنیت^۳ اسقف بقسطنطنیه می‌رود و بحضور تئودوس و اسقف شهر به نام اتیکوس^۴ بار می‌آید. او بآنها شرح مفصلی از کارهای انجام شده و علل اختراع حروف میدهد و خواهش میکند که اجازه گشودن مدارس را باو بدهند. آنها این خواهش را میپذیرند^۵ و در عوض می‌خواهند که کلیسای ارمنستان علیه فرقه‌ای بنام بارباریانوس^۶ مبارزه کند و آنها را از آن سرزمین ریشه کن سازد.

ماشتوتس فرمان را تقدیم حاکم ارمنستان غربی میکند و حاکم فوراً بوسیله نمایندگان و فرستادگان خود از اطراف کشور شاگردانی گرد آورده برای آنها حقوق مقرر میدارد تا در زیر تعلیم ماشتوتس قرار گیرند^۷. ماشتوتس در حین تدریس فرقه بارباریانوس^۸ را نیز تحت تعقیب قرار میدهد^۹ بعلل سیاسی کار تعلیم و تدریس در ارمنستان غربی ۳۰ سال بعد از اختراع حروف ارمنی در سال ۴۲۳-۴۳۰ میلادی در زمان جنگهای ایران و بیزانس اتفاق افتاده است^{۱۰}.

ماشتوتس در ارمنستان غربی بکار تدریس مشغول بود که کشیشی بنیامین^{۱۱} نام از قوم آقوان^{۱۲} نزد او می‌آید و ماشتوتس از این شخص درباره

۱ - Melitine - اکنون بنام ملاطیه معروف است.
 ۲ - Akakios.
 ۳ - Grit'.
 ۴ - Attikos.
 ۵ - نک: گریون ص ۶۶ - ۶ - Barborianos - نک: گریون ص ۶۸
 ۸ - این فرقه که بنام باربوریانوس Barboranos نیز نامیده میشد در اصل همان فرقه مسالیان است که مزاجت بی‌قید و بند را بین زنان و مردان آزاد میداشت. (نک: م. آبقیان تاریخ ادبیات قدیم ارمنی، ج، بیروت، ۱۹۵۵، ۱۲۴).
 ۹ - نک: گریون، ص ۶۸.
 ۱۰ - نک: ه. ماناندیان، مروب ماشتوتس و مبارزه آرامنه برای استقلال فرهنگ، مجموعه « مروب ماشتوتس » ص ۷۴.
 ۱۱ - Benjamin.
 ۱۲ - که دفقاری بنام آکیان معروف است از اقوام قدیمی قفقاز بوده‌اند و در این زمان کشوری جداگانه محسوب میشد و سپس یکی از مرزهای ایران شده که بوسیله مرزبانان اداره میگردد.

زبان آقوانی تحقیقاتی بعمل می‌آورد و برای این قوم نیز حروفی اختراع میکند.^۱

ماشتوتس از ارمنستان غربی قصد کشور آقوانان را میکند و خدمت آرسواق^۲ پادشاه آن دیار و یرمیا^۳ اسقف آقوانها میرسد و بعد از توضیح علل مسافرت خویش، پیشنهاد طرح حروف آقوانی را بحضور آنها میرساند. آنان نیز فوراً دست بکار شده از هرسو نوآموزانی گرد میکنند و مدارس می‌گشایند.^۴

ماشتوتس از سر زمین آقوانها گردش های خود را از سر میگیرد و برای بار دوم بگرجستان سفر کرده مدارس را سرکشی میکند و سپس **بواقار شاپات** برمیگردد، در آنجا ساکن میشود و با خیال راحت بکار های ادبی و نوشتن و ترجمه کردن کتب میپردازد.^۵

برای ترویج ادبیات ترجمه‌ای، **سهاک** و ماشتوتس دونفر از شاگردانشان را، بنامهای **هوسپ** و **یزنیک**^۶، به **آدسیه** میفرستند تا کتب مقدسه آسوری را بارمنی ترجمه کنند. سپس دونفر دیگر را بنام های **قوند**^۷ و **گریون**، را به قسطنطنیه میفرستند تا در آنجا بان یونانی آموخته و تبجری کافی بدست آورند و ترجمه‌هایی از کتب یونانی نفیس تهیه کنند. این دونفر در قسطنطنیه به **یزنیک** که از آدسیه به آنجا عزیمت کرده بود ملحق میشوند و کتب گرانبهای جمع آوری کرده با خود بارمنستان میبرند. برگشت آنها باید بعد از سال ۴۳۱ میلادی اتفاق افتاده باشد.

سهاک بکمک یزنیک ترجمه اول کتاب مقدس را برای بار دوم با نسخه معتبر این کتاب تطبیق میکنند و تصمیماتی هم بعمل می‌آورند.

۱- نك : گریون ص ۶۸

۲- Arswak . ۳ - Yermia .

۴- نك : گریون ، ص ۷۰

۵- نك : همانجا ، ص ۷۴ .

۶- Hovsep .

۷- Yeznik -- این شخص مولف کتاب معروف «ردبرادیان» .

در این حین ماشتوتس دست بتألیف کتابی که حاوی خطابه های دینی است میزند . تألیف این کتاب بعلمت موضوعاتی دینی به گریگور لوساوریج^۱ نسبت داده میشد ولی از یکی از روایات گریون^۲ چنین استنباط میشود که این کتاب تألیف ماشتوتس است.^۳

ماشتوتس نامه های پند آمیزی نیز نوشته است که از آن هیچ کدامش بدست ما نرسیده است^۴ . باسم ماشتوتس اشعار مذهبی نیز مانده است .^۵
ماشتوتس در هفدهم ماه فوریه سال ۴۴۰ میلادی در واقارشاپات دارفانی را وداع گفت و در اوشاکان^۶ مدفون گردید^۷ . شش ماه پیش از آن در هفتم سپتامبر ۴۳۹ ساهاک و خلیفه اعظم نیز در گذشته بودند .^۸

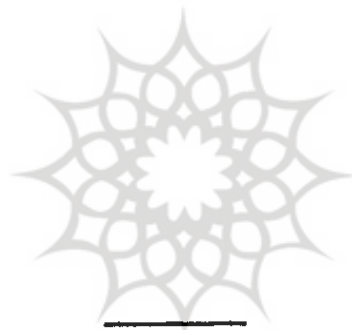


اختراع ماشتوتس از هر نظر خیلی مهم است . زیرا ۱۵۰۰ سال قبل که علم زبانشناسی روزهای اولیه زندگی خود را طی میکرد ، اختراع خطی که بتواند تمام صداهای يك زبان را ، آنهم زبانی که دارای ۳۶ صدا است ، ادا کند کاری خیلی دشوار بود و اگر در نظر بگیریم که این حروف فقط با تغییرات خیلی مختصری تا بحال بجای مانده است و مورد استفاده قرار میگیرد در این صورت میتوانیم بیشتر با اهمیت کار بزرگ او پی ببریم .

رتال جامع علوم انسانی

- ۱- Grigor Lusavoric .
- ۲- نك : گریون ، صفحه ۷۸ .
- ۳- نك : م آبقیان ، تاریخ ادبیات قدیم ارمنی ، جلد اول صفحه ۱۲۵ .
- ۴- نك : همانجا . صفحه ۱۲۵ .
- ۵- نك : ن . ورنر سپسیان ، مسروپ ماشتوتس مقدس و اشعار مذهبی توبه ، نشریه «بازماوب» ، ۱۹۶۲ ، صفحه ۲۵۳ .
- ۶- Osakan — دهکده ای در استان آرارات در نزدیکی واقارشاپات .
- ۷- نك : م . آبقیان ، مسروپ ماشتوتس و آغاز خط و ادبیات ارمنی ، مجموعه « مسروپ ماشتوتس » ص ۲۹۵ .
- ۸- نك : همان اثر همان ص

էլ չեմ ուզում իրօսել հայ մշակույթի միւս բնադաւանների
 բերած նպաստի մասին՝ համալիարհային մշակույթի դանձարա-
 նին, որովհետեւ այդ մասին շատ երկար կարելի է գրել, որը
 սակայն այստեղ դուրս է մեր նպատակից :



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

դրում եւ ամփոփուել Տարօնի Աշտիշատում (64) :

* * *

Հայ դրերը, պատմութեան ըմբացքում, արգարացրել են իրենց դիւտը յղացողների մտահոգութիւնները :

Հայ դրերի միջոցով ինքնուրոյնացած Հայ մշակոյթը եղաւ մի անխորտակելի պատմէջ եւ անխոցելի զրահ Հայաստան ասպատակ տիրող ձուլարար բարոր ուժերի դէմ, որի միջոցով Հայը կարողացաւ յարատեւել եւ ապրել մինչեւ այսօր :

Հայ ժողովրդի յարատեւման դաղանիքը պիտի փնտռել Գ. եւ Ե. դարերում, երբ մեր հեռատեա Հայրերը լաւապէս զգացին, թէ արագացում ի՞նչ վտանգ է սպառնարու իրենց ազգին, եւ իրենց անգերազանցելի մտայղացումով փրկեցին մի ժողովուրդ, մի «ածու փոքր», որ էր եւ է, — եթէ սնայարծուիւն չլինի, — «Հանաւրց հիւսիսկանաց վեհադոյն», մինչդեռ շատ ժողովուրդներ, շատ հոգր ազգեր այլեւս դոյութիւն չունեն եւ անցել են պատմութեան դիրիք :

Բացի սրանից, Հայ մշակոյթի նպատը մեծ է եւ համաշխարհային մշակոյթի դանձարանին : Հէնց միայն դրականութեամբ եւ պատմագրութեան ասպարէզում այնքան մեծ նպատ է բերել Հայ գրականութիւնը, որի դեռահատումը խիստ դժուար է :

Այսօր զոյութիւն չունեն բազմաթիւ մեծարժէք դործերի բնագրերը, սակայն կան նրանց հայերէն թարգմանութիւնները, որոնք արդէ բնագրական արժէք են ստացել եւ որպէս աջախիսին ներկայացուել հանուր մարդկութեան :

Միջին Արեւելքի ժողովուրդներից ո՛ր մէկը կարող է պարծենալ, թէ իր պատմութիւնը գրելու համար կարիք չունի օգտուելու Հայ պատմագիրների եւ ժամանակագիրների հաղորդումներից :

Արդեօք, եթէ դոյութիւն չունենային Հայ պատմագիրների երկերը, կարելի պիտի լինէ՞ր Տղբարօթն եւ մանրամասն կերպով հիւսել Հայաստանին սահմանակից ժողովուրդներից շատերի պատմութիւնը :

տում ճառք» երկը, որը ցարդ, իր կրօնական բովանդակութեան պատճառով վերագրւում էր Գրիգոր Լուսաւորչին, սակայն բանասիրական քննութիւնները պարզեցին, որ այս երկը պատրանում է Մաշտոցի դրչին եւ դրւել է շուրջ 420-ական թւականներին (59):

«Այս ճառերի մէջ հեղինակը ձգտում է՝ իրատել եւ ուսուցանել: Դրանք «հոգեւոր խրատներ» են, որոնց ընդհանուր խնդիրն է քրիստոնէական ուսումն ու բարոյականութիւնը: Ճառասուր Քարոզում է քրիստոնէական առաքինի կեանքի պայմանները՝ բարքերի մաքրութիւն, ժուժկալութիւն, սէր, հեղութիւն, դիմութիւն: Նա յորդորում է՝ բարի անել, հեռու մնալ անառակութիւնից, չարից, եւ նմաները: Եւ այս ամէնը մի ընդհանուր վերջնական նպատակի համար, որ է «աշխարհի խաղաղութիւնն ու շինութիւնը»» (60):

«Յաճախապատում ճառք»ի մէջ կան եւ այլ բովանդակութեամբ ճառեր:

Բացի վերոյիշեալ երկից, կորիւնը գրում է, թէ Մաշտոցը գրել է նաեւ խրատական թղթեր եւ ուղարկել զանազան գաւառներ, սակայն դրանցից եւ ոչ մէկը չի հասել մեզ (61):

Մաշտոցին են վերագրում եւ մի շարք հոգեւոր երգեր (62):

Մերսոպ Մաշտոցը վախճանեց Վաղարշապատում 440 թւի մեհեկան ամսի 13-ին, որ համապատասխանում է փետրւարի 17-ին, և մեծ շուքով թաղեց Վահան Ամատունու՝ իր աշակերտի, Օշական գիւղում (63):

439 թւի նաւասարդի 30-ին (սեպտեմբերի 7-ին), արդէն մահացել էր Սահակ կաթողիկոսը Բագրեւանդի Բլրոցաց գիւ-

59. Տես Մ. Աբեղեան, Հայոց հին գրականութեան պատմութիւն, հատոր Ա., էջ 125 եւ հոմ.:

60. Նոյն տեղում, էջ 127:

61. Տես նոյն տեղում, էջ 125:

62. Այդ մասին մանրամասն տեսնել Հ.Ներսէս Տէր-Ներսէսեան, Ս. Մերսոպ Մաշտոց եւ ապաշխարութեան շարանականները, «Բազմավէպ», ՃԻ (1962), էջ 253 եւ հոմ.:

63. Տես Մ. Աբեղեան, Մերսոպ Մաշտոցը եւ հայ գրի ու գրականութեան սկիզբը, «Մերսոպ Մաշտոց» յուլիանի ժողովում, վաճառ, էջ 295:

աւելի շատ հնարաւորութիւններ է ունենում սրարապելու գրաւոր աշխատանքներով: Նա եւ Սահակ կաթողիկոսը մտածում են «դիւրեանց արդիւն գրադրութիւնն առաւել յարգել եւ դիւրացու — ցանկը» (56): Այդու կաթողիկոսը սիրում է նախկինի տէս գրադ — ւել թարգմանութեամբ եւ նորանոր դործերով հարատացնել հայ թարգմանական գրականութիւնը: Թարգմանական գրականու — թեանը դարկ տալու համար, նրանք իրենց աշակերտներին երկու — սին՝ Յովակիին (57) եւ Եզնիկին ուղարկում են Եդեսիա, որպէս — զի հմտանան ասորերէն լեզուի մէջ եւ հայերէնի թարգմանեն ա — սորի հայերի ւաւանդութիւնները:

Բացի յիշածներից, որոնք հետագային անցնում են Կոս — տանդնուպոլիս յունարէնում եւս հմտանարու համար, Կոստանդ — նուպոլիս են ուղարկում նաև Ղևոնդին ու Կորիւնին, որոնք աշտեղ միանում են Եզնիկին, առիտում յունարէն եւ հմտանում այս լեզուում: Այնուհետեւ վերցնելով «ատուածատուր դրոշ» «հաս — տատուն» օրինակներ, «չնորհագիր» հայերի ւաւանդութիւն — ները եւ Նիկիայի ու Եփեսոսի ժողովների կանոնները վերադառ — նում են Հայաստան, Եփեսոսի ժողովին (431 թ.) յետոյ:

Որից յետոյ Սահակը, Եզնիկի հետ միասին, վերադնում — թեան է ենթարկում Աստուածաշնչի առաջին «փութանակի» թարգմանութիւնը, ըստ այն ընտիր օրինակի, որ բերած էր Կոստանդնուպոլսից, վերոյիշեալ աշակերտների միջոցով:

Ինչպէս նշեցինք, Մաշտոցը, իր երկարամեայ շրջագայու — թիւններից եւ կրթական տրամաջան աշխատանքներից յետոյ, վերջապէս հաստատում է Վաղարշապատում եւ աւելի հնարա — ւորութիւն ունենում գրական աշխատանքով գրադելու: Այդ առթիւ Կորիւնը վկայում է, թէ «այնպիսի առաւել եւ յարձրա — գոյն վարդապետութեամբն՝ սկսեալ Երանելոյն Մաշտոցի ճառս յաճախագոյնս, դիւրաբարտումս, շնորհագիրս, բարձրադիմիս ի լուսաւորութենէ եւ ի հիւթոյ գրոց մարդարէականաց կարգել եւ յօրինել, լի ամենայն ճաշակօք աւետարանական հաստոցն ճշմարտութեան» (58): Մ. Արեղեանը գրում է, թէ Կորիւնը վերոյիշեալ հաստածում սկսարկում է Մաշտոցի «Յաճախապա —

56. Նայն տեղում, էջ 74:

57. Այս Յովակիը հարանաբար Յովակի Պաղմասցին է: (Տես Կորիւն, էջ 117, ծանօթ. 119):

58. Կորիւն, էջ 78:

մար էլ դանձում դրեր:

Այնուհետև նա, Արեւմտեան Հայաստանում եւս, իր դործը վերջացած համարելով, իր աշակերտներին երկուսին՝ Ենովթին և Դանանին, վերակացու թողնելով այնտեղ, վերադառնում է Վաղարշապատ, ներկայանում Մահակ կաթողիկոսին, Վառչապուհի որդի Արտաշէս թագաւորին եւ ամբողջ բանակին:

Մի առ ժամանակ Վաղարշապատում մնալուց յետոյ, եւ հաւանաբար մի շարք կարեւոր եւ անյետաճղելի աշխատանքների մասնակցելուց յետոյ ուղևորւում է Աղւանք ուր ներկայանում է Աղւանից Երեմիա կաթողիկոսին և Արտաղ թագաւորին, որոնք մեծ սրտով ընդունում են նրան: Մաշտոցը բացատրութիւններ է տալիս թագաւորին և կաթողիկոսին իր ճամբորդութեան նպատակի մասին, հաւանաբար բացատրում այն քաղաքական պայմանները, որոնք առիպել էին դրեր դանել հայ ժողովրդի եւ վրացիների համար, նաեւ երբ յայտնում է, թէ արգէն գտել է աղւանից լեզվի դրերն, Արտաղ թագաւորն ու Երեմիա Եպիսկոպոսը «յանձն առեալ դպրութեանն հնազանդելոյ, տային եւս հրաման՝ ի դաւառաց և ի տեղեաց իշխանութեանն իւրեանց բաղմաթիւ մանկանց յարուեստ դպրութեան ածել եւ դումարել՝ ըստ արժանաւոր եւ պատեհ տեղեաց, դասս դասս դպրոցաց, եւ ոռճիկս կարգել ի դարմանս» (55):

Մինչեւ որ բոլոր կողմերից աշակերտներ հաւաքւէին, Աղւանից Եպիսկոպոս Երեմիան ձեռնարկում է «ստուածային գրոց» թարգմանութեան:

Արտաղ եւս վարդապետելուց, սովորեցնելուց եւ ուսուցանելուց յետոյ, Մաշտոցը, ըստ իր սովորութեան, իր աշակերտներից մի քանիսին վերակացու է նշանակում Աղւանքում բացւած դպրոցների վրայ, որից յետոյ անցնում է Գարդման, ապա՝ Տաշիրը եւ վերջապէս երկրորդ անգամը լինելով՝ Վրաստան: Իր այս շրջագայութիւնների ժամանակ եւս ամենուրեք բաց էր անում նորանոր դպրոցներ եւ կամ քննութեան ենթարկում արդէն վաղուց դործող դպրոցների դործունէութիւնը, այլ խօսքով ամենուրեք կատարում է լուսաւորական եւ կրթական դործեր:

Մաշտոցը այնու վերջացած համարելով իր ուսուցչական եւ քարտղչական դործերն ու շրջագայութիւնները, վերջնական պէս հատաստում է Վաղարշապատում, ուր, հաւելիստ սրտով,

լասի հետ (49) : Ահա այստեղ երեւան է գալիս մի անընթաց հարկատու թիւն , որովհետեւ գիտեմք , որ Ակակիտսը Սմիթի նպիտակուտ է եղել 419-420 թւականից եւ Ռազուրասն էլ Եղեախայի եպիսկոպոս է եղել 412-435 թթ. (50) , իսկ հայոց գրերը գտնուել են , ինչպէս գրել ենք վերեւում , 392-3 թւականներին : Ուրեմն , երեւոյն այս տւեալներին , այդ հանդիպումը չի կարող պատահած լինել սրտերի դիւտի ժամանակ , այլ , մի ուրիշ առիթով , 420 թւականից յետոյ եւ 435-ից առաջ (51) , հաւանաբար այն ժամանակ , երբ Մաշտոցը գտնուում էր Արեւմտեան Հայաստանում , եւ կամ մէկ այլ առիթով Եփեսոսի 431 թի ժողովին առնչուող դաւանաբանական խնդիրներին կապակցութեամբ (52) :

Կորիւնի մէջ հակասուող այդ հակասութիւնը պէտք է բացատրել նորանով , որ այդ ժամանակ տիրող էր յետ-Եփեսոսեան մտայնութիւնը , ուստի եւ հերինակը դիտակցաբար ստեղծում է այս հակասութիւնը , որպէսզի ազանդաւոր յորջորջումից զերծ պահի իր վարդապետներին՝ Մաշտոցին եւ Սահակին , որոնք տերտարաբնութիւն ունէին Նեստորիոսի ուսուցչի թէոքորոս Մոսկոսեոսացու հետ , որը համարում է Նեստորական աղանդի դաժախարաբանութեան հիմնադիրը : Այդ առիթիւ Ն . Արշոյցը գրում է . «Կորիւնը հասարակ կենսագիր չէ , նա եւ կկեղեցական գործիչ է եւ իր այդպիսին պէտք է իր գրիչը համակերպէր յետ-Եփեսոսեան տրամադրութեան» (53) :

Մաշտոցը դիտ գտնուում էր Հայաստանի բիւզանդական հատուածում , երբ աղւանդներէն ընդէի գրեր գտնելու խնդրանքով նրա մօտ է դայիս «այլ մի երկց աղուան ազգաւ , Բենիամին անուն» (54) , որից նա քննում է աղւանդներէն ընդունն եւ նրանց հա -

- 49. Տես Կորիւն , էջ 46 : Իրաւացի կերպով կարծում եմ , որ Կորիւնի մէջ նշած Բարիլաս անունը աղաւաղած ձեւն է Ռարուլաս անուն : Տես Ն . Արշոյց , Մաշտոց եւ նրա աշակերտները ըստ օտար ազգիւրների , «Մեսրոպ Մաշտոց» յոդածնէրի ժողովածու , էջ 223 :
- 50. Տես Ն . Արշոյց , նոյն տեղում :
- 51. Տես նոյն տեղում :
- 52. Տես նոյն տեղում , էջ 236 :
- 53. Նոյն տեղում , էջ 227 :
- 54. Կորիւն , էջ 68 :

ժողովելը ցնե քաղցրացուցանէր» (44) :

Ինչպէս վերելում ասեց , կայսրը իր այդ շնորհի փոխա –
րէն սրահանջում է պարքար «բարբարիանոս» (45) ազանդի դէմ :
Մաշտոցը իր կրթական աշխատանքները վերջացնելուց յետոյ
«ձեռն արկանէր տղժպատեհ և զկամակոր դարբարիանոս աղանդն
քննելոյ» (46) :

Եւ երբ տեսնում է նա , որ չի կարողանում ուղղութեան բե –
րել նրանց «առեալ ի գործ արկանէր զթշուառացուցիչ դաւազանն ,
ծանրագոյն պատուհասիւք ի բանդս , ի տանջանս , ի գեղարանս : Իսկ
յորժամ աճուու եւս պակասեալք ի փրկութենէն դատանէին , խոր –
տակեալս , ստրա խանձեալս , մրեալս եւ գունակ դանակ խարտա –
ուակեալս , եւ յաշխարհէն մտորէին» (47) :

Ի նկատի ունենալով մի շարք քաղաքական խնդիրներ , ըու –
սաւորութեան գործը Արեւմտեան Հայաստանում տեսուում է հայ
նշանագրերի գիւտից շուրջ 30 տարի յետոյ , 420—422 թթ . , Պարս –
կա-Քիւզանդական պատերազմների ժամանակ , ինչպէս պարզոււմ
է Յ . Մանանդեանի հաշտումներից (48) :

Արտոնդ արժէ կանգ առնել Կորիւնի մէկ հաղորդման վրայ :
Կորիւնը գրում է , թէ Մաշտոցը , երբ գնացել էր Միջագետք յորի –
նելու համար հայերէն լեզուի նշանագրերը , հանդիպում է ունենում
Ամբիլի Եպիսկոպոս Ակրախոսի Եղեարիսի եպիսկոպոս Ռաբու –

44. Նոյն տեղում :

45. «Բարբարիանոս աղանդը , աւելի փիշոտ «բարբարիանոս»
համարում է մծղնէ (մեսայեան) աղանդը : «Այս մծղնէ աղանդի
հետեւողները կոչուում են «պղծագործ» . նրանք «անխտիր հաղթ –
դակցութիւն էին պահանջում տղարարդկանց եւ կանանց մէջ» :
(Մ . Աբեղեան , Հայոց հին գրականութեան պատմութիւն , հատոր
Ա . , Բէյրութ , 1955 , էջ 124) :

46. Կորիւն , էջ 68 :

47. Նոյն տեղում :

«Խանձել» նշանակում է՝ խարել , դաղել , խտրանել , կէծ
երկաթով խարել : «Մրել»՝ մրտել , մուր քսել եւ այդպիսով ա –
նարգել : (Տես Մ . Աբեղեան , Հայոց հին գրականութեան պատմու –
թիւն , հատոր Ա . , էջ , 124) :

48. Տես Յ . Մանանդեան , Մեսրոպ Մաշտոցը եւ հայ ժու –
ղովրդի պայքարը մշակութային ինֆուրքյութեան համար ,
«Մեսրոպ Մաշտոց» յօդածների ժողովածու , էջ 74 :

ոմանց՝ Անատոլիոս) կուսակալին (41) նրանից զտնուժ լաւ ընդունելութիւն: Նա իր ճամբորդութեան նպատակի մասին յարտնուժ է Արեւմտեան Հայաստանի կուսակալին: Վերջինս մի գրութեամբ աջ մասին տեղեկացնում է Բիւզանդիայի Թէոփոս Բ. կայսեր (408—450), որովհետեւ մի կուսակալ նախ իրաւասու էր Մաշտոցի առաջափաժ խնդիրների մասին որոշում տալ եւ երկրորդ՝ նա ջէր ցանկանայ սխալած տեսնել յունական դպրոցները, իսկ նրանց փոխարէն բարդաւաճած՝ հարկականը: Մաշտոցը համոզելու համար կայսեր եւ սրատրիարքին, որոշում է անձամբ դնալ նրանց մօտ, ուստի իր աշակերտներին տանում է Մելիտիէ (այժմ Մալաթիա), նրանց յանձնում է քաղաքի կախկոպոս Արակիոտին եւ ինքը, հետն առնելով Գերջանի կախկոպոս Գինիին եւ աշակերտներից մի փոքր խմբի, դնում է Կոստանդնուպոլիս ու ներկայանում՝ Թէոփոս կայսեր եւ Ատտիկոս սրատրիարքին (405—6—425):

Մաշտոցը նրանց բացատրում է հայ նշանադրերի դիւտի դրդաստանները, պատմում է ամբողջ անցուղարձի մասին եւ խնդրում՝ թող տալ Արեւմտեան Հայաստանում եւտ հայկական դպրոցներ բաց անել: Կայսրը, նրա բացատրութիւնները լսելուց յետոյ, նրան տալիս է մի հրամանագիր, «սխան մանկտոյն յաշակերտութիւնն առ ի կէս աղղին Հալոց ժողովելոյ» (42):

Այդ շնորհի փոխարկէ կայսրը սրահանջում է հալածել «բարբարիանոսներին եւ վերացնել նրանց ազանդը:

Մաշտոցը հրաժեշտ առնելով դալիս է Արեւմտեան Հայաստան, ներկայանում է կուսակալին եւ յանձնում կայսեր հրամանագիրը: «Եւ նորա (կուսակալի—Մ.Տ.—Գ.) առեալ ստիերա կայսերական նշանօք, փութալով վաղվադակի գհրամանն կատարել» (43): Նա ուղարկում է սուրհանդակներ եւ ներկայացուցիչներ, երկրի բոլոր կողմերից մանուկներ հաւաքելու համար, որքանազի ուսանեն նորարայ հայկական դպրոցներում. նրանց համար նշանակում է եւ թօշակ: «Եւ երանելին զվարդակեաութիւն ի դործ արկեալ, եւ

41. Տես Յ. Մանանդեան, Մերոպ Մաշտոցը եւ հայ ժողովրդի պայքարը մշակութային ինքնուրոյնութեան համար, «Մերոպ Մաշտոց» յօդածների ժողովածու, էջ 71:

42. Կորիւն, էջ 66:

43. Նոյն տեղում, էջ 68:

եւ վասն բարբարոսական կողմանն : Եւ ւսնայր կարգեալ նշանա-
 դիրս վրացերէն ընդունին» (36) : Ուստի իր լաւագոյն աչակերանե-
 րից մի քանիսին իր հետ վերցնելով, անցնում է Վրաստան, վրա-
 ցական նորագիւտ դրերով գրելուց, կարգաւորելուց եւ օրէնքով
 յարգարելուց յետոյ (37) : Նա Վրաստանում ներկայանում է
 Բակուր Թաղաւորին եւ վրաց եկեղեցու եպիսկոպոս Մովսէսին :
 Նրանց յորդորում է եւ համոզում ընդունել իր առաջարկած գը-
 րերը : Այստեղ հարց է ծագում, թէ ինչո՞ւ Մաշտոցը մտահոգում
 է նաև վրացական դրերով, կամ ի՞նչը դրոյնց նր. րն այդ քայլն
 ատենում : Այդ մասին ոչինչ չեն դրում մեր մատենագիրները,
 սակայն սրբոյ երեւում է, որ այս եւս կատարւած է քաղաքական
 մտահոգութիւններից դրուած :

Վրաց Թաղաւորը, ընդունելով Մաշտոցի առաջարկած գը-
 րերը, հրամայում է իր երկրի բոլոր կողմերից մանուկներ ժողո-
 վից «եւ տալ ի ձեռն մարդասերին» (38) : Այդ աշակերտները
 Մաշտոցի ձեռքի տակ կըթւում եւ հմտանում են քրիստոնէական
 գրքերի մէջ ու նրանցից լաւագոյնները կարգւում են եպիսկո-
 պոս :

«Իսկ իբրև ընդ ամենայն տեղիս Վրաց կարգեալ գըրած
 ատարածապարտութեանն, այնուհետև հրաժարեալ ի նոցանէ՝
 դռնայր յերկիրն Հայոց եւ պատահեալ Սահակայ կաթողիկոսին
 Հայոց, պատմէր նմա զողջունէ եղելոցն» (39) :

Մաշտոցը, վրաստանից վերադառնալուց յետոյ, ձեռնար-
 կում է մի շրջադարձութեան այն դաւաններում եւ տեղերում,
 ուր ինքը քարոզել էր նախարէս, եւ ուր, իր ջանքերով, բացւել
 էին վարդապետանոցներ :

Այնուհետեւ նա «խորհուրդ տոնէր... վասն կէս արդին
 Հայոց, որ էր ընդ իշխանութեամբ Թաղաւորին Հոտոմոց» (40) :

Այդ նպատակով, նա, աչակերաների մի մեծ խմբով, անց-
 նում է Արևմտեան Հայաստան, ներկայանում է Անտիոքոս (ըստ

36. Կորիւն, էջ 62 :

37. Տես նոյն տեղում :

38. Նոյն տեղում :

39. Նոյն տեղում, էջ 64 :

40. Նոյն տեղում :

դրերը ըստ ամենայնի կատարեալ են, սկսեցին աւելի մեծ թւով աշակերտներ հաւաքել եւ զրանցից քարոզիչներ պատրաստել, Հայաստանի խուլ ու յետամնաց գաւառներում քրիստոնէութիւնը տարածելու համար: Ամէն կողմից Վաղարշապատ են թափուած բազմաթիւ ուսումնասէնչ երիտասարդներ, «քանզի յԱրարատեան գաւառին՝ ի կայս թագաւորացն եւ քահանայապետացն, բոլեցին Հայոց չնորհք պատուիրանացն Աստուծոյ» (31):

Վաղարշապատում հաւաքւած ուսանողները սիւեցին դար – դանաւ եւ սովորել Սահակի և Մաշտոցի հովանաւորութեան ներքոյ, որանց կողմից բացւած դպրոցներում:

Արնուհետեւ Սահակը մնում է քաղաքամայրում, իսկ Մաշտոցը վերսկսում է իր քարոզչական շրջագայութիւնները «ի տիւրաւ հեթանոսաց» (32), իր հետ վերցնում է իր աշակերտներէց Տիրայր իյորձենացուն, Մուշէ Տարօնցուն եւ ուրիշների, որոնց անունը չեն յիշում. ո՛չ Կորիւնը եւ ո՛չ էլ Փարպեցին ու Խորենացին:

Մաշտոցը առաջին հերթին գնում է Գողթն, եւ Շաբաթ իշխանի օժանդակութեամբ «լի առնէր որդաւսուն ողջունիւ սուե – տարանին Քրիստոսի. եւ վարդէր յամենայն գիւրա գաւառին դասս սրբոց փանականաց» (33):

Գողթնից նա անցնում է Սիւնիք եւ Վաղենակ իշխանի ա – ջակցութեամբ շրջում է Սիւնիքի բոլոր կողմերը, եւ ամենուրեք կատարում իր առաքելութիւնը: Նա այստեղ եւս հաւաքում է բազմաթիւ աշակերտներ, յատկապէս այն շրջաններից, ուր դեռ տիրապետող էր հեթանոսական կրօնը, նրանց դաստիարակում է այնպէս, որ հէնց դրանցից կարելւմ է կախարարսներ եւ տեսուչներ Սիւնեաց եկեղեցիների համար: «Ապա եւ գերկիրն Սիւնեաց դասուք փանականաց շոյր» (34): Այդ ժամանակ Սիւնեաց իշխանութեան տանուտէրութիւնը անցնում է Վասակ Իշխանին (35), որը մեծարէա օժանդակում է Մաշտոցին իր առաքելութեան մէջ:

Մի առ ժամանակ յետոյ Մաշտոցը «հող ի մտի արկանէր...

- 31. Նոյն տեղում, էջ 58:
- 32. Նոյն տեղում, էջ 60:
- 33. Նոյն տեղում:
- 34. Նոյն տեղում:
- 35. Սա այն վասակն է, որ դարձաւ Հայաստանի մարգապան 441–451 թւերին եւ յայտնի է որպէս դաւաճան:

թարգմանութեան մէջ, ինչպէս վերաբուժում է Կորիւնը, մեծ թափին ունի Մաշտոցը, որը, իր երկու աշակերտների հետ միասին, սկսեց թարգմանել հէնց Սամուտատում:

Դրանից յետոյ թարգմանում են մի շարք «ներքին» գրքեր (25), մեծ մասամբ եկեղեցական հայրերի թղթերը, քարոզները եւ սիեդերասկան ժողովների որոշումները:

«Աստուածաշնչի եւ եկեղեցական գրքերի թարգմանութիւնն — ներս անհրաժեշտ էին: Աստուածաշնչի վրայ ուսում էին տալիս, խոկապէս Աստուածաշունչ էին սովորեցնում: Դա եւ ընթերցանութեան, եւ կրօնի դիրքն էր» (26):

«Թարգմանութեան գործով, ինչպէս երեւում է, պարարտել է աւելի Մահակ Կաթողիկոսը... Մաշտոցը շրջում էր դաւանները, խոկ կաթողիկոսն իր պաշտօնի պատճառով մնում էր աւելի Վաղարշապատում. ուստի եւ աւելի յարմարութիւն ունէր գրաւոր աշխատանքով պարարտելը» (27):

Այնուհետեւ, Մաշտոցը, թագաւորի հրամանով, անցնում է Մարաց կողմերը (28), որի քնակիչները «վասն խեցբեկագոյն եւ խոշորագոյն լեզւին՝ դժարամատոյցը էին» (29): Եւ նա ու իր աշակերտները սկսում են այդ շրջաններում քարոզչութիւն անել եւ ժողովրդին «պարզախօսա, հռետորարանա, կրթեալս, աստուածասուր իմաստութեանն ծանօթա կացուցանէին» (30):

Այդպիսով այդ շրջանում, ուր ժողովուրդը լիովին չէր իւրացրել քրիստոնէական վարդապետութեան սկզբունքները, այս անգամ, Մաշտոցի յորինած գրքերի շնորհիւ, լմբոնում է այն ինչ որ քարոզում է իրեն եւ այդպիսով միանգամ ընդ միշտ մոռացութեան է յանձնում հեթանոսական հաւատալիքներն ու սնտոխաբաշատութիւնները:

Համաձայն Կորիւնի, երբ փորձերը համոզեցին, որ այդ

25. «ներքին» գրքեր են կոչւում այն գրքերը, որոնք ունեն եկեղեցական բովանդակութիւն:

26. Մ. Արեղեան, նոյն տեղում, էջ 288:

27. Նոյն տեղում:

28. «Մասիս լերան հիւսիս-արեւելեան կողմից սկսած, Երասխ գետի երկու կողմերը, Շարուրի դաշտից մինչեւ Նախիջեւան, Խրամ եւ Զուլա եւ այլն»: Կորիւն, էջ 107, ծանօթ. 55:

29. Կորիւն, էջ 54:

30. Նոյն տեղում:

թիւն ըստ յունարէնի, եւ ոչ թէ ըով գեղադրական: Նոյնիակ առաջին բառերը, որ դրւած են այս նորագիւտ հայերէն տառերով, այսինքն՝ «Ճանաչել զիմաստութիւն եւ զխրատ» եւ այլն, դրւած են այդ յոյն Հոտփանոսի եւ ոչ թէ Մեսրոպի ձեռքով, ինչպէս վկայում է Կորիւնը» (20):

Մաշտոցը, իր երկու աշակերտների՝ Յոհան Եկեղեցացու եւ Յովակի Պաղնացու հետ, հայերէնի այս նորագիւտ տառերով տիրում է թարգմանել Աստուածաշնչի «Առակաց» զիրքը (21):

Մաշտոցը, վերջացնելով իր աշխատանքները, հրատեղաւ է առնում յիշած քաղաքների եպիսկոպոսներից եւ հետն վերցնելով իր աշակերտներին ուղևորւում է դէպի Հայաստան եւ «հոգեւից ուրախութեամբ եկեալ հասանէր ի Հայաստան աշխարհն, ի կողմս մանա Արարատեան դաւառին, առ սահմանօք Նոր Քաղաքին, ի վեցերորդ ամի Վոսճապուհ արքային Հայոց Մեծաց» (22):

Վոսճապուհ թագաւորի վեցերորդ տարին համապատասխանում է 392-3 թւականին (387-8 + 5):

«Եւ արդ եկեալ յիշելին մերձ ի թագաւորական քաղաքն, աղդ լինէր թագաւորին եւ սրբոյ եպիսկոպոսին: Որոց առեալ դամենայն նախարարադուռն աւարանւոյն ամբոյս, ի քաղաքէն ելեալ՝ պատահէին Երանելոյն դպիտօք Ռահ գետոյն: Եւ զցան կալի սղջոյնն միմեանց տուեալ, ուստի եւ բարբառօք ցնծութեան եւ երգօք հոգևորօք եւ բարձրաչոյն օրհնութեամբք ի քաղաքն դառնային, զաւուրս տօնական ուրախութեամբ անցուցանէին» (23):

«Դա մի աղբայիին տօն էր» (24): - Դրում է Մ. Արեղեանը:

Սահակն ու Մաշտոցը եւ Եղեհիայում ու Սամոսատում ուսած երիտասարդները լծւում են գործի, որը թարգմանում է, որը տեղեկագործում՝ ինքնուրոյն երկեր, որը ուսուցանում է զրպարոցներում եւ վերջապէս ամէն մէկը իր կարողութիւնների սահմաններում նպաստում է մեծ շարժման:

Առաջին հերթին թարգմանում է Աստուածաշունչ Մատենանը, բաւարարելու համար ժամանակի կրօնական պահանջները: Դրա

20. Նայն տեղում, էջ 35:

21. Տես Կորիւն, էջ 50:

22. Նայն տեղում:

23. Նայն տեղում, էջ 54:

24. Մ. Արեղեան, Մեսրոպ Մաշտոցը եւ գրի ու գրավամուրթեան սկիզբը, «Մ. Մաշտոց» յոդ. ժող., էջ 285:

աղբատեղ էլ նա յօրինում է հարչ նշանագրերը, ըստ Յ. Մամանդեանի հաշվումների, 392—3 թվականներին (15) :

Այնուհետև նա աղբատեղից անցնում է Մամտատ :

Մամոտատում, Մաշտոցը, իր յօրինած գրեթե ըստ ամեն նայնի կատարեալ դարձնելու համար, դիմում է Հռոփանոս ա — նունով մի յոյն գրագրի : Հռոփանոսի մատին Աղտոնը գրում է, թէ նա ոչ ալ ոչ է, եթէ ոչ թէտըորոս Մտպտուհատացու կամ Մամ — ուեհատացու աշակերտ Ռուփին(ոս) քահանան (16) որը 399ին մեկնում է Հռոմ «եւ ալտեղ ծանօթանալով Պելագիոս քահանային նորա միջոցով Պելագիական կոչւած վարդապետութեան իտական հիմնադիրն եղաւ» (17) :

Հռոփանոսը ծանօթանալով Մաշտոցի գտած գրերի հետ, ճշտում է աղբ գրերի «դնրբագոյնն եւ զլայնագոյնն, կարճն եւ զերկայնն, դառանձինն եւ զկրկնաւորն» (18) :

Կորիւնը այս խօսքերով ի՞նչ է սուղիլ ասել, կամ, այլ խօսքով, Հռոփանոսը Մեարտպեան գրերը ինչպիսի՞ մշակման է են — թարկել : Կորիւնի աղբ խօսքերը բաղմաթիւ ձեւերով մեկնաբանել են բանասէրների կողմից, ամի՞նից հաւանական բացատրութիւնը, ըստ իս, սուղ է Ստ. Մարխասեանցը : Նա գրում է. «Կորիւնի յիշած տեխնիկական բառերը վերաբերում են տառերի հնչիւնական յատկութիւններին. «նուրբ» գրերն են (ténues) Բ, Գ, Դ, Յ, Շ, «լայնագոյններն» են թաւերը Փ, Թ, Ք, «կարճ» եւ «երկայն» գրերն են կարճ եւ երկայն ձայնաւորները» (19) :

Մարխասեանցը բերելով մի շարք համոզեցուցիչ փաստեր, վերջապէս գրում է. «Այսպէս կամ այնպէս Հռոփանոսի աշխատանքը մեր գրերի գիւտի գործում շատ կարեւոր է. գիտական ֆունտիկական աշխատանք եւ ամբողջ այլուրեւի դասաւորու —

15. Տես Յ. Մամանդեան, Քննական տեսութիւն հայ ժողովրդի պատմութեան, հատար Բ., մասն Ա., էջ 266: Տես նաև Առյուծի Հայ գրերի գիւտի տարեթւի հարցի շուրջ, «Մ. Մաշտոց» յօդւած. ժողովածու :

16. Տես Ն. Աղտոնց, Մաշտոց եւ նրա աշակերտները ըստ օտար աղբիւրների, «Մ. Մաշտոց» յօդ. ժող., էջ 230 :

17. Նոյն տեղում :

18. Կորիւն, էջ 48 եւ հոմ. :

19. Ստ. Մարխասեանց, Մատեմատիկական դիտողութիւններ, Երեւան, 1961, էջ 33 :

ասորս առեալ ի նմանէ առաքէր առ արքայն յերկիրն հայոց» (10) :

Դանիէլեան նշանագրերը Վաղարշապատում ենթարկուում են փորձարկման Մահակի եւ Մաշտոցի կողմից , սակայն նրանք գրտնում են , որ այդ գրերը բաւական չեն արտայայտելու հայերէնի հնչիւնների բարդ կառուցածքը , եւ «ոչ լինել բաւական այնու նշանադրօք ստոյգ հոլովել զհեզենայ բառից հայկականց հազներգաբար , մուրացածոյին այնուիկ դժադրութեամբ» (11) :

Այդ մասին յայտնում են եւ թագաւորին :

Մ. Ղազարեանը Դանիէլեան գրերի մասին ասում է . «Այլլազգի գործիչներ հայ ժողովրդին անդամահատելու , նրան կուրտուրապէս կախաւ վիճակի մէջ դնելու եւ ինքնուրոյնութիւնից զրկելու մտորումներով ստորուած իրենց հնարամտած գրերն էին ցանկանում կապել հայ ժողովրդի վրին , պարզ պատկերացնելով , որ հայերը ուրիշ գիր ընդունելով՝ աստիճանաբար կը կորցնեն իրենց ինքնուրոյնութիւնը եւ նախ կուրտուրապէս , ապա Փիղիկապէս կը ձուլեն ուրիշ ժողովուրդներին» (12) :

Դանիէլեան նշանագրերը «բարեբախտաբար մերժւեցին ժամանակի հայ գործիչների կողմից» (13) :

Մաշտոցը գտնելու համար հայերէնի նշանագրերը , կամ ըրացնելու համար Դանիէլեան կոչւած գրերի պարկաւր , ինչպէս կարծում են բանասէրներից ոմանք , իր աշակերտներին հետն առնելով , Ամիգի վրայոյ , գնում է Եդեսիա եւ այնտեղ նրանց «յերկուս բաժանեալ» մէկ մասին ուղարկում է Սամոսատ յունարէն սովորելու , իսկ միւս մասին պահում է իր մօտ , Եդեսիայում , որպէսզի հետեւէն ատրերէն լեզւին եւ հմտանան թարգմանական արեւատի մէջ : Եւ ինչպէս հաստատում է Աբեղեանը (14) , հէնց

10. Կորիւն , էջ 44 :

11. Մ. Խորենացի , Մատենագրութիւնք , Պատմութիւն Հայոց , 1843 , Վեներիկ , էջ 246 : Հետաքրքիր է նշել , որ այն հատւածը , շատ աննշան տարբերութեամբ , ունի եւ Փարպեցին : Տես Ղ. Փարպեցի , էջ 43 :

12. Մ. Ղազարեան , Հայոց գրական լեզւի պատմութիւն , հատոր Ա . , Երեւան , 1961 , էջ 115 :

13. Նայն տեղում :

14. Տես Մ. Աբեղեան , Մերոպ Մաշտոցը և գրի ու գրականութեան սկիզբը , «Մերոպ Մաշտոց» յօդւածների ժողովածու , էջ 269-278 :

413-4 (8)), ուրեմն եւ ունէր քաղաքական բնույթ: Հայ ժողովրդի դեկլարարները ունենալով այն մեծ պատասխանատուութեան դիւ — տակցութիւնը որ դրւած էր իրենց վրայ, մտածում էին հայ ժողովրդին փրկել խաբար բնաջնջումից, եւ նրանք յանդիպին այն եզրակացութեան, որ հայ ժողովուրդը այն ժամանակ միայն կը կարողանայ յարատեւել, երբ մշակութաբէս կը լինի ինքնուրոյն եւ այդ տեսակէտից բարձր կանգնած իր հարեւան ժողովրդներէից:

Կորիւնը եւ նրանից օգտւած Փարսիցին ու Սորենացին, լի — նելով հոգեւորականներ (9), բնականաբար սէտք է, որ ամէն ջանք ի գործ դնէին, հոգեւորականութեան վերագրելու համար հայ ժողովրդի լուսատուութեան գործի յղացումը: Ահա թէ ինչու ժամանակի պատմիչները քիչ բան են հաղորդում տառերի դիւտի թուն դրդապատճառների մասին:

Վերոնշեալ խնդիրները ի նկատի ունենալով պարզում է, թէ ինչո՞ւ, Վոսմշապուհ թագաւորը, Միջագետքում, Հարէյ քահանայի հետ հանդիպում ունենալիս, խօսել էր հայ զբերի մասին, եւ ինչի՞ հետեւանքով ասորի քահանան յայտնել էր, որ հայ զրուր կան իր մի բարեկամի՝ Դանիէլ կախարարոսի մօտ:

Կորիւնի այս հաղորդումը ինքնին մի փաստ է յօդուտ այն բանի, որ Վոսմշապուհը, ի դէմս հայ դեկլարարների, մտածել է հայ զբերի մասին, հետաքրքրել է այդ ուղղութեամբ եւ այդ առթիւ, ըստ երևոյթին, խօսակցութիւն ունեցել մի շարք յոյն ու ասորի դիտնականներէ հետ:

Վոսմշապուհը, Հայաստան բերել տարու համար Դանիէլ ասորու մօտ գտնուող նշանադրերը, Հարէյ քահանայի մօտ է ուղարկում Վահրիճ անունով մէկին «հանդերձ հրովարտակաւ»:

«Իսկ Հարէյին զայն բուեալ, փութանակի հասանէր առ Դանիէլին, եւ նախ ինքն տեղեկանայր ի Դանիէլէ նշանագրացն եւ

8. Տես Յ.Մանանդեան, Քննական տեսութիւն հայ ժողովրդի պատմութեան, հատոր Բ., մասն Ա. էջ 435:

9. Ազնցը խօսելով Կորիւնի մասին ասում է. «Կորիւնը հասարակ կենսագիր չէ, նա եւ եկեղեցական գործիչ է եւ իբր այդպիսին պէտք է իր գրիչը համակերպէր յետեփեսոսեան տրամադրութեան»: Ն. Աբոնց, Մաշքոց եւ նրա աշակերտները ըստ օտար ազիրներին, «Մեսրոպ Մաշտոց» յօդածների ժողովածու, իսր. Ա. Յովհաննիսեանի, Երևան, 1962, էջ 227:

Թեան արտոնանով, սկսում է ծառայել արքունի գիւանատանը, որպէս հասարակ դրագիր (4), («Կարգեալ յերամ մատենադիր արքունի դպրացն» (5)), «առ հաղարարաբնտուխեամբն աշխարհիս Հայոց՝ Առաւանայ ուրումն» (6) :

Դա տեղի է ունենում Սոսրով Դ. Թագաւորի օրով, այսինքն 385-387-8 Թաւանների միջեւ (7) :

Մաշտոցի ծառայութիւնը արքունիքում երկար չի տևում : Նա շուտով հրաժարւում է իր պաշտօնից եւ հազմելով հոգեւորականի սքեմ, ինչպէս վկայում է Կորիւնը, սկսում է դադուկ քարտղչական գործերով Հայաստանի իրւլ ու հեռուոր գաժանեքում, յատկապէս Գոյլթնում, եւ սարածում է քրիստոնէական վարդապետութեան սկզբունքները :

Կորիւնը եւ սրանից օգտւած միւս մատենադիրները, հայ գրքերի գիւտի մասին խօսելիս, ասում են, թէ Մաշտոցը իր քարտղչութիւնների ընթացքում հանդիպում է մի շարք դժւարութիւնների եւ գտնում, որ այդ դժւարութիւնները վերացնելու միակ միջոցը հայերէնի թարգմանւած Աստւածաշունչն է, որով արլես կարիք չի դապելի այն կարգալ օտար լեզուներով եւ ապա, ժողովրդիկն մատչելի դարձնելու համար, թարգմանել հայերէնի :

Սակայն անատութիւն կը լինի կարծել, թէ միայն այդ էր հայ գրքերի գիւտի դրդապատճառը, որովհետեւ Մաշտոցից դեռ շատ առաջ բազմաթիւ քարտղիչներ քարտղել էին յիշած շրջաններում, կրել այն նեղութիւնները, ինչ որ կրել էր Մաշտոցը եւ դրանցից եւ ոչ մէկը կարիք չէր դապել հայ գրի եւ հայերէնի խորգմանւած Աստւածաշունչի, գոնէ այդ մասին մեզ չի հասել որեւէ վկայութիւն :

Ինչպէս տեսնում ենք, հայ գրքերի գիւտը ունէր այլ շարժառիթներ : Այն յղացումն էր հայ քաղաքական մտքի, մեծ հաւանականութեամբ հէնց իրեն՝ Վառչապուհ Թագաւորի (387-8-

4. Տես Ղ. Փարպեցի, Պատմութիւն հայոց, Վեներտիկ, 1891, էջ 37 :

5. Նոյն տեղում

6. Կորիւն, էջ 36 :

7. Տես Յ. Մանանդեան, Քննական տեսութիւն հայ ժողովրդի պատմութեան, հատոր Բ., մասն Ա., Երեւան, 1957, էջ 249 :

Հայաստանի արեւելեան հատւածում Արչակունի Հայ թա-
ղաւորները շարունակեցին իրենց անւանական իշխանութիւնը
մինչև 428 թւականը, երբ գահընկեց արւեց Վասմ շապուհի որդին՝
Արտաշէսը:

Հայրական պետականութեան հոգեվարքը բնականաբար
մտահոգում էր Հայ դեկալարութեան, որովհետև նրանք դիմում
էին, որ, հայ պետականութեան վերացումից յետոյ, Հայ ժողով-
ւորը պարտաւարդ էր կործանման մտանդը: Եւ մշակութիւնը, յինե-
րով այն հռոժիկու ազգակը, որ կարող է զարեւել կենտրոնախոյս
ուժեքն ու պատեհէջ հանդիսանալ ազգերի ձուլման ճամբին, դրա-
ւեց Հայ մտաւորականութեան ուշադրութիւնը:

Ուրեմն Հայ դրեյի գիւտը ունեցել է քաղքական դրդապատ-
ճառ՝ Հայ մշակութիւն ինքնուրոյնացմամբ պաշտպանել Հայ ժողով-
ւորը ինքնուրոյնացումից:

* * *

Եւ ո՞վ էր այն մեծ մարդը, որ ինքնուրոյնացրեց Հայ ժո-
ղովրդի մշակութիւնը, որ պաշտպանեց Հայ ժողովրդին ձուլման վը-
տանդի դէմ: Արդ մեծ հայր հանճարեղ Մեսրոպ Մաշտոցն է, որ
ծնւել է Արշակ Բ. (350-367-8) թաղաւորի գահակալութեան օ-
րերին, 361 թականին (1), Տարօնի գաւառի կարճազատների (2)
Հասցեկաց գիւղում, աւ էր «որի առն երանելոյ Վարդան կոչեցե-
լոյ» (3):

Նա «ի մանկութեան տիոց» սովորում է յունարէն, և երբ
չափահաս է դառնում, դալիս է Վաղարշապատ, մտնում է գինեո-
րական ծառայութեան մէջ, և, յունարէնում ունեցած իր հմտու-

1. Տես Ա. Առաքելեան, Հայ ժողովրդի մտաւոր մշակոյթի
զարգացման պատմութիւն, Երեւան, 1959, էջ 221:

Ըստ ումանց՝ 350-360 թթ.:

2. Տես Փաւստոս Բուզանդ, Հայոց պատմութիւն, աշխ-
քարգումանութիւն Ստ. Մալխասեանցի, Կահիրէ, 1954, էջ 162:

Ստեփան Մալխասեանցը կարճազատ բառը մեկնում
է ասելով. «Թուում է թէ կարճազատները ստորին աստիճանի աւ-
զատները=ազնւականներ էին, ազատների հետաւոր ազգականներ,
որով ասկայն դեռ կալւածների տէրեր էին»: (Նայն տեղում, էջ
427 եւ հոմն.):

3. Կորիւն, Վարդ Մաշտոցի, հրատ. Մ. Արեղեանի, Երե-
ւան, 1941, էջ 36:

ԽԱԺԱԿ ՏԵՐ-ԳՐԻԳՈՐԵԱՆ

ՀԱՅ ՆՇԱՆԱԳՐԵՐԻ ԳԻՒՏԸ

1962-ին, ամենուրեք, ուր ապրում էր Հայ, նշեց Հայ դրերի Հանճարեղ գիւտարար Մեսրոպ Մաշտոցի ծննդեան 1600-ամեակը:

Ձևայած որ անցել է յորեկինական տարին, սակայն յարմար ենք նկատում անդրադասանալ այդ մեծ Հայի կեանքին ու գործին, Իսպահանի Համալսարանի գրական Փակուղտեռի պարբերաթերթի առաջին թւում:

Հայաստանը նւաճելու համար, Պարսկաստանի եւ Բիւզանդիայի միջեւ մղող պատերազմները վերջացան 387 թւականին եւ երկու պետութիւնները կնքեցին մի դաշնագիր, որով Հայաստանը բաժանուէց երկու մասի եւ իւրաքանչիւրն ընկաւ յիշած պետութիւններից մէկի գերիշխանութեան տակ:

Հայաստանի երկու հատածներում, անւանական Հայ թագաւորները շարունակեցին իրենց գոյութիւնը մի առ ժամանակ: 389 թւականին մահացաւ Արեւմտեան (Բիւզանդական) Հայաստանի թագաւոր Արշակ Գ. եւ այդպիսով այդ շրջանը վերածւեց մի Բիւզանդական կուսակալութեան: